

راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در پیشبرد آن

عزت‌اله عزتی - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا، تهران، ایران
محمد گل‌افروز* - دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۳۱

پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۲۵

چکیده

قدرت یک حکومت ملی با ترکیب قدرت نرم و سخت به حداکثر می‌رسد. این نوع ترکیب و تلفیق را که قدرت هوشمند می‌نامند، با اقدام هماهنگ نظامی و اقتصادی در صورت توجه هر چه بیشتر به آن چیزی که کشورهای دیگر فکر می‌کنند، پدید می‌آید. برای نمونه امروزه براساس نظریات لیبرالی، ایران تنها با تکیه بر قدرت سخت نمی‌تواند دیگر کشورها و افکار عمومی جهانی را در مورد درستی دلایل و اقداماتش متقاعد کند. اما با بهره‌گیری از عوامل قدرت سخت خود از جمله داشتن سواحل طولانی در سه دریای خزر، فارس و عمان و تسلط بر نقاط استراتژیک آن، واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی خلیج فارس و دریای خزر و قرار گرفتن در راه اتصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد که موجب توانمندی ژئوپلیتیکی و بازیگری در عرصه ژئواستراتژیکی آن می‌شود. در کنار هوشیاری در برابر دشمن، همراهی با ایده جهان چند قطبی، همگرایی منطقه‌ای، تنش زدایی، توسعه گرایي و تکیه بر قدرت نفت و گاز که از نکات با اهمیت در عرصه قدرت نرم ایران می‌باشند، توأم می‌تواند در استراتژی قدرت هوشمند خود تأثیر گذارتر عمل نماید. با عنایت به این موضوع، برای انجام تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و برگرفته از شیوه‌های رایج جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و در راستای ارائه استراتژی مناسب در قدرت هوشمند ایران، بیش از همه به نقش ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز)، موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که ایران با ارائه استراتژی مناسب در قدرت هوشمند به ویژه با تأکید بر بازیگری بیشتر در ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) به دلیل اهمیت آن در دنیای امروز و دارا بودن رتبه دوم این ذخایر در جهان، می‌تواند با تحمیل رفتار و استدلال خود بر دیگر کشورها، قدرت خود را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، قدرت نرم و سخت، قدرت هوشمند، ایران.

۱. مقدمه

در قرن بیست و یکم، قدرت‌های سلطه گر برای فراهم سازی زمینه‌های تهاجم و تجاوز از مهارت‌های قدرت نرم سود می‌برند که در همگرایی با قدرت سخت، بستر لازم را برای ایجاد قدرت هوشمند فراهم می‌سازد. به دنبال این موضوع صلح و یا جنگ آینده، ابزارهای نبرد خاص خود را می‌طلبند. در استفاده از استراتژی نرم، زمان و هزینه تولیدات دفاعی کاهش می‌یابد و کیفیت و انعطاف پذیری آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. زیرا مشاهده می‌گردد استفاده از سیستم‌ها و ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به شیوه قدیمی متضمن صرف وقت و انرژی فراوان است. از طرفی استفاده تک بُعدی از این شیوه‌ها به تنهایی تأثیرات خرد و یا کلانی بر امنیت ملی کشورها ندارد. در این راستا برخی از شیوه‌های نوین آن چنان پیچیده هستند که در هریک از حوزه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی نظامی نمی‌گنجند. بنابراین مدیریت آن‌ها بستگی به مشارکت همه ارگان‌های تصمیم گیرنده و اجرایی یک کشور دارد. بر این اساس در نظام کنونی جهانی، کشورهای قدرتمند برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود نیازمند ترکیبی از قدرت نرم و سخت یا همان قدرت هوشمند می‌باشند. اگر چه مدیریت استفاده از تمام این ابزارها فقط در اختیار برخی از کشورها می‌باشد، اما کشورهایی مانند ایران که سابقه امپراتوری و قدرتمندی در سطح جهان را دارند در صورت فراهم شدن بستر لازم و اتخاذ سیاست خارجی مناسب که در واقع مبتنی بر بکارگیری هماهنگ و متعامل قدرت سخت و نرم (قدرت هوشمند) و استفاده برخی از ابزارهای شاخص جهانی خود (مانند انرژی) در کنار سایر برتری‌های منطقه‌ای به این توانمندی خواهند رسید (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). با فرض این مسئله برای تکمیل آن در تحقیق حاضر به بررسی این سوال‌ها خواهیم پرداخت که آیا اصولاً در نظام کنونی جهانی بکارگیری قدرت هوشمند در توانمندی کشورها بیشترین تأثیر را می‌گذارد در صورت اثرگذاری، آیا کشورهایی مانند ایران با استفاده از توانمندی قدرت منطقه‌ای خود می‌توانند از این استراتژی بهره‌مند گردند؟ و اگر ایران بخواهد در این رابطه گام بردارد، استراتژی مؤثر آن کدامین ابزار ویژه خواهد بود؟

در این پژوهش به دلیل اهمیت این موضوع و پرداختن به هریک از این سوال‌ها با هدف ارائه استراتژی قدرت هوشمند ایران، برای پیشبرد آن به عوامل مؤثر در حوزه قدرت نرم و سخت با ضرورت تأکید ویژه بر جریان ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) پرداخته خواهد شد.

در این راستا تحقیق با روش تحلیل سیستماتیک، ابتدا به بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت سخت ایران یعنی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی می‌پردازد. سپس به عوامل مؤثر در قدرت نرم آن یعنی هوشیاری، همراهی، همگرایی، تنش زدایی و توسعه گرایی در کنار توجه به نقش و اهمیت ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) توجه ویژه‌ای خواهد داشت. در این رابطه برای رسیدن به این استراتژی، تحقیق، مدیریت تلفیق آن‌ها برای رسیدن به قدرت منطقه‌ای ایران و در گام بعدی نزدیکی به رأس هرم قدرت جهانی را ضروری می‌داند.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

طرح موضوع قدرت هوشمند به خصوص برای تبیین مسائل ایران کاری دشوار می‌باشد. اما براساس مطالعات انجام گرفته قبل از ورود به هریک از ادله‌ی توانایی ایران، در این زمینه ابتدا بررسی برخی مفاهیم، نظریه‌ها و پیشینه قدرت هوشمند ضروری می‌باشد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱-۲. بررسی مفاهیم

الف) قدرت^۱: از کنترل بر تفکر و فعالیت دیگر افراد، قدرت به وجود می‌آید. بازیگر (کشور) هنگامی در صحنه به این مهم دست می‌یابد که نیروهای تکنولوژیک و نیروهای سیاسی به گونه‌ای وسیع‌تر با یکدیگر سازگار بشوند (دهشیار، ۱۳۸۲: ۳۷). نکته مهم در مفهوم شناسی قدرت، چگونگی اعمال آن بر مبنای مفاهیمی چون: زور، فریب، نفوذ و اقتدار می‌باشد (مظفری، ۱۳۸۶: ۳۸). از نظر سیاست مداران قدرت به معنای داشتن توانمندی یا منابع است و کشور قدرتمند باید از جمعیت زیاد، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی برخوردار باشد (نائینی، ۱۳۹۰: ۳۰۶). در این صورت قدرت، سنجش‌پذیر و قابل پیش بینی است. از دیدگاه پروفیسور حمید مولانا، قدرت به دو بخش تقسیم می‌گردد: قدرت ناملموس «نرم» که منابع آن دین، ارزش‌ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت سخت یا ملموس که در مواردی چون: منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی و جنگی و غیره ریشه دارد. او معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت بوده و ماهیت آن را مشخص می‌نماید (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۸).

ب) قدرت سخت^۲: این نوع قدرت متضمن کاربرد راهبرد زور با استفاده از توان نظامی و اقتصادی علیه کشور مقابل است و نتیجه آن، ایجاد حساسیت منفی در بین دولت مردان، نخبگان و مردم کشور مقابل است. لذا پذیرش سیادت کشور قدرتمند از سرناچاری و اجبار صورت می‌پذیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۷). در این راستا می‌توان گفت: قدرت پلیس، قدرت مالی و توان اجیر کردن و آتش زدن نمونه‌های ملموس قدرت سخت هستند که از آن‌ها برای تغییر دادن موضع دیگران استفاده می‌کنند. بنابراین قدرت سخت بر تشویق (هویج) و تهدید (چماق) استوار است (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

ج) قدرت نرم^۳: از دیدگاه ژوزف نای قدرت نرم عبارتست از توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه، نه اجبار یا تطمیع، که کلاً از جاذبیت فرهنگ، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (حمیدی، ۱۳۹۰: ۲۴). این نوع قدرت متضمن استفاده از استراتژی اقناع، مقبولیت و پذیرش داوطلبانه و در یک کلام نفوذ اجتماعی، روحی و معنوی در جامعه هدف است تا صاحب قدرت، حوزه نفوذ فضای و ژئوپلیتیک خود را گسترش دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۵).

۱. Power

۲. soft power

۳. Hard power

د) قدرت هوشمند^۱: قدرت یک حکومت ملی با ترکیب قدرت نرم و سخت به حداکثر می‌رسد. ژوزف نای این ترکیب و تلفیق را قدرت هوشمند نامیده است. وی معتقد است که ایالات متحده با توجه به هر چه بیشتر به آن چیزی که کشورهای دیگر فکر می‌کنند و اقدام هماهنگ نظامی و اقتصادی موفق شده است قدرتی هوشمند پدید آورد. از اینرو کشورهای کمی می‌توانند قدرت هوشمند به دست آورند، زیرا قدرت سخت کافی در اختیار ندارند (مردای، ۱۳۹۰: ۳۵۳). در این رابطه آن گروه از کشورهایی که در جنگ‌هایی خود به موازات ابزارهای قدرت سخت از ابزارهای قدرت نرم نیز بهره گرفته باشند، جنگ هوشمند را پیشه کردند. در چنین فرآیندی از تحول و دگرگونی در معادله قدرت، نشان داده می‌شود که جنگ نرم در مدار گذار قرار گرفته و به تدریج توسط جنگ هوشمند جایگزین خواهد شد (متقی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). با این توضیح صرفاً کشورهایی می‌توانند از چنین ابزارهایی در قدرت هوشمند استفاده نمایند که دارای تنوع قدرت و ابزارهای کاربرد قدرت در این زمینه را داشته باشند.

ه) ابزار ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در قدرت هوشمند: در مفهوم جدید ژئوپلیتیک به رابطه بین انسان به عنوان عامل و بازیگر تقدیر، سرنوشت، فضا و عوامل محیطی آن به منظور جامعه عمل پوشان اهداف استراتژی ژئوپلیتیک یک کشور با کمترین تعارض و تقابل برخورد گفته می‌شود (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). اما در راستای تعریف ژئوپلیتیک و ارتباط آن با انرژی «به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳) ژئوپلیتیک انرژی گفته می‌شود. از اینرو دسترسی به منابع انرژی از تولید به بازارهای مصرف و مکان‌های فاقد انرژی، موقعیت جغرافیایی تولید کنندگان و مصرف کنندگان، مکان‌های واسط و ترانزیت کننده، مسیر انتقال خطوط لوله از مکان‌های جغرافیایی و چالش‌های دائمی ناشی از انرژی در ابعاد مختلف بین دولت‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی باعث شده تا انرژی به یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی تبدیل و مفهوم جدیدی رابه نام ژئوپلیتیک انرژی رقم بزند (همان، ۱۰۲). بنابراین با توجه به رویدادهای اخیر سیاسی و اقتصادی در جهان، ژئوپلیتیک انرژی نقش راهبردی‌تر از همیشه در صحنه معادلات جهانی ایفا خواهد کرد. همچنین اهمیت استراتژیک آن به ویژه در بُعد قدرت هوشمند برای ایران، که تولید کننده و دارنده ذخایر دوم نفت و گاز جهان و واقع شدن در مسیر ترانزیت آن به ویژه در حوزه‌ها خلیج فارس و خزر که اهمیت جهانی نیز دارد، به عنوان یک ابزار در این نوع قدرت غیر قابل انکار می‌باشد.

۲-۲. مفهوم نظری

در چهارچوب مفهوم نظری قدرت هوشمند باید گفت برخلاف نظریه پردازان سنتی و مدرن که بیشتر بر عوامل محسوس و سخت افزاری قدرت تأکید داشته‌اند، در نظریه پست مدرن قدرت ماهیتی چند لایه و دارای مرکزیتی نیست. نظریه پردازان این گروه افرادی نظیر فردریک نیچه، مارتین هایدگر،

۱. Smart power

میشل فوکو، و ژان فرانسوا لیوتار هستند. در نظریات جدید پست مدرن نیز تأکید بیشتر بر اقتدار به جای قدرت و اعتقاد به نرم‌افزاری و فرهنگی شدن ماهیت قدرت است. این دسته از نظریه پردازان که سطح بازی جهانی و یا تعامل قدرت در سطح جهانی را بین فرد تا عرصه جهانی می‌دانند و معتقدند با جایگزین نمودن «امنیت تدبیر ساز» انسان، به جای عکس‌العمل طبیعی و مرز عقلی، می‌توان کمیت زندگی و دستاوردهای آن را بهبود بخشید (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱). در اینصورت تحقیق از طرفی این فرض واقع‌گرایان که معتقدند بازیگران می‌توانند در روابط خود با دولت‌ها و سایر بازیگران با توسل به زور و تهدید، خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل کنند را رد می‌کند. علاوه بر این از سوی دیگر، بازیگرانی که همواره از ابزارهای غیرخشونت‌آمیز و همکاری توافقی و داوطلبانه (آن طوری که اقتصاددانان لیبرال تأکید دارند) استفاده می‌کنند را چندان کافی نمی‌داند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۳۷۶). از اینرو مقاله بر نظریه قدرت هوشمند که ترکیبی از استفاده هر دو نظریه می‌باشد، این نوع قدرت را برای ایران ارزیابی می‌کند. در این رابطه معروف‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه از جوزف نای است که ابتدا در حوزه جنگ نرم با کتاب‌هایی مانند «قدرت نرم» و «رهبری و قدرت هوشمند» که به ترتیب توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و مؤسسه ابزار معاصر تهران در سال ۱۳۸۷ ترجمه شده‌اند، شروع شده است. اما ترکیب قدرت سخت و نرم برای مقابله با تهدیدات امروزی همان مفهوم «قدرت هوشمند» است که جوزف نای در کتاب‌های دیگری به آن می‌پردازد و از نکات قابل توجه آن، نگاه نویسنده به خاورمیانه است. وی خاورمیانه را منشا چالشی ویژه برای دیپلماسی عمومی آمریکا معرفی می‌کند. به طور کلی تاکنون استفاده از قدرت هوشمند در ایران توصیه نشده است و طرح این موضوع اولین گام در این زمینه می‌باشد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی قدرت هوشمند ایران و تأثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) بر آن پرداخته است. همچنین به منظور تبیین چارچوب مفهومی موضوع از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره برده شده است. سپس اطلاعات بدست آمده از طریق روش تحلیل سیستماتیک محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، زیرا پس از یک دهه در کاربردی شدن استفاده از قدرت هوشمند در جهان برای عملی شدن واقعیت نظری آن در ایران، استراتژی مناسب در این زمینه را لازم می‌داند.

۴. یافته‌ها

براساس یافته‌های تحقیق، کشور ایران مطابق توانمندی‌های خود از لحاظ داشتن ابزارهای مناسب در قدرت سخت و نرم و با تأکید بر اولویت ژئوپلیتیکی انرژی (نفت و گاز) می‌تواند از استراتژی قدرت هوشمند برای تحقق آرمان‌های مورد نظر استفاده نماید. در ادامه اصلی‌ترین موارد مورد نیاز در این استراتژی برای قدرتمندی ایران بررسی می‌گردد:

۱-۴. عوامل تأثیر گذار در قدرت سخت ایران

بر اساس نتایج بدست آمده در این تحقیق از عوامل با اهمیت در قدرت سخت ایران که موجب توانمندی ژئوپلیتیکی و بازیگری در عرصه ژئواستراتژیکی آن می‌شود به سه مورد اساسی اشاره می‌گردد که عبارتند از: داشتن سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک آن، واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی، و قرار گرفتن در راه اتصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد است. لذا شیوه بهره‌گیری صحیح از این عوامل می‌تواند در راستای قدرت هوشمند ایران مؤثر واقع گردد. در این راستا بررسی مستقل هریک از آن‌ها در این تحقیق ضروری خواهد بود.

۱-۱-۴. سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک

همجواری ایران با سه دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان علاوه بر سهولت ارتباط دریایی و مسئله صادرات و واردات، موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی را به ایران بخشیده است. بطوری که ایران در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور خود یعنی حوزه قفقاز آناتولی، حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، حوزه ژئوپلیتیکی دریای عمان و اقیانوس هند، حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران، حوزه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و در کل حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر دیده می‌شود. همچنین در اختیار داشتن جزایر بسیار مهم در خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز، این کشور را از موقعیت برتر جغرافیایی برخوردار می‌سازد (پور مهرانی، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۱). از طرفی ایران با داشتن سواحل طولانی در دریای خزر، از آستارا تا خلیج حسین قلی‌خان به طول ۶۶۰/۱ کیلومتر (محمدحسینی، ۱۳۹۱: ۶۶۰)، در خلیج فارس از دهانه فاو تا بندرعباس (بدون احتساب شکستگی‌های ساحلی) به طول ۱۳۵۹ کیلومتر (همان، ۲۹۲) و در دریای عمان از بندرعباس تا بندر گوادر (بدون احتساب شکستگی‌های ساحلی) به طول ۷۹۶/۱ کیلومتر (همان، ۴۱۴) اهمیت جغرافیایی آن را دو چندان می‌کند. بر این اساس سواحل طولانی دریای خزر بعلاوه مزیت نسبی جغرافیایی ایران در آن به دلیل قرار گیری در سر راه اروپا و خاورمیانه از یک سو، قفقاز و آسیای مرکزی از سوی دیگر بر برتری قدرت سخت ایران تأثیر مثبت می‌گذارد. همچنین در اختیار داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تسلط بر نقاط استراتژیک از جمله تنگه هرمز و جزایر با اهمیت آن در عرصه ژئواستراتژیک و نیز به دلیل ترانزیت کالا و انرژی جهان از این آبراهه موجب برتری جغرافیایی در فضای قدرت سخت ایران شده است. از اینرو بهره برداری از مجموع سواحل آبی و تسلط بر نقاط استراتژیک آن در ایده استراتژی قدرت هوشمند ایران بعنوان ابزار قدرت سخت لازم می‌باشد.

۲-۱-۴. واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی

ایران به همراه منطقه خلیج فارس و حوزه خزر در مجموع ۷۰ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر اثبات شده گاز جهان را در اختیار دارند. سهم انرژی منطقه خزر اگر چه قابل

مقایسه با حوزه خلیج فارس نیست، اما راهی بهتر از مسیر ایران برای صدور به بازارهای جهانی ندارد و این موضوع بر اهمیت ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) ایران می‌افزاید (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). از دیدگاه جغرافیایی کمپ که در ژئوپلیتیک انرژی ایران کار کرده، وی معتقد است این کشور به دلیل اینکه در فضای ناامنی منطقه‌ای قرار دارد، باید از طریق تولید قدرت (به ویژه در حوزه انرژی) و همچنین گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، بر نشانه‌های ناامنی منطقه غلبه نماید (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۳). از اینرو به دلیل وابستگی شدید غرب و نیز کشورهای شرق (اخیراً توسعه یافته) به نفت و گاز، این دو حوزه بخش حساسی از شبکه انتقال انرژی در عرصه استراتژیک جهانی کشورهای مصرف‌کننده می‌باشد. بنابر این واقع شدن ایران در حوزه بزرگ انرژی به عنوان نقطه اعمال فشار، اهمیت راهبردی خاصی دارد. زیرا تهدید به قطع عبور نفت و گاز، جهان را با بحران سختی روبرو خواهد کرد. این موضوع به دلیل اهمیت ویژه جهانی در حیطة استفاده ابزاری قدرت سخت ایران در استراتژی قدرت هوشمند آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۱-۴. قرار گرفتن در راه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد

موقعیت جغرافیایی خاص ایران به گونه‌ای است که در مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به خاور دور و مهم‌تر از همه کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز را به آب‌های آزاد جنوب وصل می‌کند (پور مهرانی، ۱۳۸۹: ۴۰). در همین رابطه ایران از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، طی دو قرن اخیر دقیقاً در حد فاصل استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ جهانی و رقیب قرار گرفته بود و نقش حایل رادر فرآیند رفتارهای رقابت آمیز آن‌ها بازی کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵). بر این اساس پس از فروپاشی شوروی (سابق) و نیاز کشورهای این حوزه به ترانزیت کالا که توأمأ با نیازمندی‌های قدرت‌های بزرگ برای عبور انرژی این منطقه و تسلط منابع آن همزمان شده است، بار دیگر اهمیت ایران و نقش آن در این حوزه پررنگ‌تر گردید. در واقع قرار گرفتن در چنین موقعیتی به عنوان ابزار قدرت سخت در شکل‌گیری استراتژی هوشمند ایران کاربرد خواهد داشت. در مجموع الگوهای استفاده از ابزارهای ذکر شده در قدرت سخت، شرایط مناسبی را جهت تدوین استراتژی قدرت هوشمند ایران به وجود خواهد آورد. لذا شرط لازم می‌باشد ولی کافی نیست. موضوعاتی همانند هوشیاری، همراهی، همگرایی، تنش زدایی، توسعه‌گرایی و تکیه بر قدرت ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در زمره عوامل و عناصر قدرت نرم هستند که در تدوین استراتژی هوشمند ایران باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم. در ادامه به هریک از آن‌ها اشاره‌ای خواهیم کرد:

۲-۴. عوامل تأثیر گذار در قدرت نرم ایران

در راستای تبیین و ارتقای جایگاه ایران در سطح منطقه و جهانی، به ناچار باید مبانی و اهداف سیاست خارجی ایران با ترکیب عناصر قدرت نرم، مورد باز تعریف قرار گیرد. در این قسمت، از جمله تأثیرگذارترین آن‌ها در قدرت نرم ایران اشاره می‌گردد:

۴-۲-۱. هوشیاری (در برابر دشمنان)

هوشیاری و بیداری در مقابل توطئه‌ها و نقشه‌های بیگانگان از لوازم مقابله با تهدیدات خارجی می‌باشد. غرب از آغاز انقلاب اسلامی ایران، از رسانه‌های گروهی برای جنگ روانی علیه آن استفاده کرده است. از جمله اتهام تروریست بودن، نقض حقوق بشر و تولید سلاح‌های هسته‌ای که این کشور می‌بایست برای مبارزه با چنین جنگ روانی از سوی دشمن در جهت زدودن این اتهامات نزد افکار عمومی جهان اقدام مؤثر نماید (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در این رابطه استراتژی هوشیاری برای مقابله با جریان روانی دشمنان در دفع تهدیدات ایران و یا هر کشور دیگری نقش با اهمیتی دارد. این استراتژی همراه با قدرت سخت در کنار آمادگی نظامی و دفاعی، برای ایران، بسیار هوشمند و مؤثر خواهد بود. از اینرو تصمیم‌گیران عرصه استراتژی هوشمند باید هوشیاری و آگاهی خود را در مقابل توطئه دشمنان علیه ایران بیفزایند و با آمادگی کامل چهره دشمن را شناسایی کنند.

۴-۲-۲. همراهی (با ایده جهان چند قطبی)

کشورهای جهان سوم، و در حال توسعه، روند امور در ساختار نوین نظام بین‌الملل را باید به سمت شکل‌گیری نظام چند قطبی تصور نمایند (حسینی متین، ۱۳۹۱: ۲۷). ایران هم به دلیل شرایط کنونی خود که سیاست مبارزه با هژمونی ایالات متحده در سطح جهان را ادامه می‌دهد، اکنون از سوی آن کشور با تحریم‌های هوشمند شامل تحریم‌های شدید بر ضد صنایع نظامی، بنیادهای مهم اقتصادی، بخش انرژی و مصرفی مواجه است (همان، ۲۰۲). در صورت پیگیری ایده چند قطبی ایران با سایر کشورهای جهان به ویژه در خاورمیانه، توانایی آن کشور با توجه به تفکر اندیشمندانی مانند بوزان که می‌گوید: داشتن چنین استراتژی از سوی کشورها ممکن است از اهمیت موازنه قدرت در سطح جهان برخوردار گردند (بوزان و یور، ۱۳۸: ۴۸)، قابل اهمیت است. در صورت داشتن چنین شرایطی ایران خواهد توانست در جهت رفع تهدیدات خود از عدم همسویی و یا برخورد با منافع اروپا و ایالات متحده، در عرصه‌ها و موضوعات گوناگون آتلانتیکی - پاسفیکی از خود در راستای موازنه قدرت‌های جهانی استفاده هوشمند برده باشد.

۴-۲-۳. همگرایی (منطقه‌ای)

جغرافیا و نزدیکی اقلیمی به همراه منافع و نیازها با نگرش و نگاه مشترک ذهنی و هویتی در کنار بکارگیری رابطه هماهنگ با شیوه کنش جهانی موجب همگرایی کشورها در یک منطقه خواهد شد (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). با این استدلال، ایران در صورت همراهی با ایده جهان چند قطبی می‌تواند در حوزه‌های مختلف، ائتلاف هوشمندانه با کشورهای اطراف منطقه خود داشته باشد. ائتلاف امنیتی در حوزه خلیج فارس، ائتلاف سیاسی - اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز، ائتلاف امنیتی (و اقتصادی) با هند، ائتلاف سیاسی - اقتصادی در ترکیه، ائتلاف سیاسی با مصر، عربستان، سوریه و عراق در جهت

سیاست‌های ضد اسرائیلی، هماهنگی و همکاری اقتصادی با چین و اروپا (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶) از جمله این همگرایی‌های منطقه‌ای در حوزه‌های اطراف ایران خواهند بود. در این راستا، ایران در صورت استفاده مناسب از پتانسیل مجاورت جغرافیایی، روابط تاریخی، تماس‌های قومی - زبانی و گرایش‌های مذهبی در کنار ایده جهان چند قطبی، ضمن ائتلاف در حوزه‌های یاده شده می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی خود را در استراتژی‌های قدرت هوشمند افزایش دهد.

۴-۲-۴. تنش زدایی

در نگاه کلی، تنش‌زدایی سیاست عمل‌گرایانه‌ای است در فرآیند عادی سازی روابط با همه کشورها - اصل همزیستی، همگرایی و همکاری را در مرکز ثقل خود قرار می‌دهد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). از این دیدگاه، اعتماد سازی را می‌توان ادامه سیاست تنش‌زدایی دانست. که زمینه را برای طرح قالب‌های گفت‌وگومانی نوین فراهم می‌کند (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). از آنجا که یکی از ابزارهای مورد استفاده دشمنان در جنگ نرم، تنش‌زدایی برای ایران در عرصه بین‌المللی می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۱۱)، لذا استراتژی تنش‌زدایی باید در سیاست‌های ایران در عرصه قدرت هوشمند مورد توجه بیشتر قرار گیرد. زیرا در صورت اجرای دقیق آن به تقویت، توسعه، صلح، امنیت و تثبیت منافع ایران در سطح بین‌الملل کمک خواهد شد. البته در راهبرد سیاست خارجی ایران توجه این نکته لازم است که سیاست تنش‌زدایی با همه کشورهای جهان بجز با رژیم صهیونیستی که اساس وجود آن را قبول ندارد، پیش‌بینی شده است.

۴-۲-۵. توسعه گرایی

توسعه یکی از صور خاص تغییر و دگرگونی است که در آن یکسری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقع می‌پیوندد (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۳). در عصر جهانی شدن، توسعه گرایی بازار محور، در اولویت سیاست‌های کلان بسیاری از کشورهای قرار گرفته و طی کردن مسیر آن و تمرکز بر قدرت نرم یکی از ضرورت‌های دنیای امروز است. در حال حاضر حتی در صورت داشتن کشورهای در حال توسعه در خاورمیانه، این منطقه اسیر دو روند غیرتوسعه‌ای می‌باشد، یکی روند ناشی از نگرش‌های داخلی آن کشورها که مبتنی بر قدرت سخت است و دغدغه‌های امنیتی و نظامی را در اولویت قرار می‌دهند.

دوم انتقال تقابل‌های حوزه قدرت سخت فضای سایر کشورها، به ویژه قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه. لذا هوشیاری در این فضای متداخل غیرتوسعه‌ای در کشورهای خاورمیانه که یکی از مناطق بحرانی در جهان است، کاری دشوار خواهد بود. از اینرو ایران، با دو چالش رو به رو است: از یک سو، نحوه آماده سازی کشور برای ورود به عرصه اقتصاد جهانی و از سوی دیگر، ورود آن به عصرآزادی اطلاعات و ارتباطات. در این راه چگونگی گسترش و سازماندهی مجدد روابط خارجی مطلوب با غرب یکی دیگر از چالش‌های موجود می‌باشد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۳). اگر ایران این مشکلات را حل کند

می‌تواند نقش مؤثر و با نفوذی را با تقویت مبانی قدرت نرم خود در سیاست جهانی، در آینده بر عهده گیرد. تقویت این عنصر در قدرت نرم می‌تواند در داشتن استراتژی قدرت هوشمند ایران تأثیر مثبت بگذارد.

۴-۲-۶. ژئوپلیتیک انرژی (تکیه بر قدرت نفت و گاز)

در جغرافیای سیاسی بررسی توانایی و قدرت یک کشور به میزان قابل توجهی به منابع معدنی آن بستگی دارد. تجهیز و بهره برداری صحیح از منابع معدنی موجود از معیارهای عمده قدرت ملی یک کشور به شمار می‌رود. هر اندازه دولتی از منابع و امکانات بیشتری برخوردار باشد، نقش آن در روند تحولات منطقه‌ای بیشتر است. در ایران از جمله منابع با ارزش و جهانی آن، وجود ذخایر غنی نفت و گاز می‌باشد. نیاز به انرژی در دنیای صنعتی امروز، دگرگونی‌هایی را در میزان قدرت دولت‌های بزرگ ایجاد کرده است. مثلاً در حوزه خلیج فارس که ذخایر بزرگ نفت و گاز وجود دارد، کنترل و انتقال آن موجب رقابت شدید قدرت‌های بزرگ می‌گردد. همچنین بسیاری از کشورهای تولیدکننده آن در این حوزه تنها به طور سنتی و به واسطه تعارفات لفظی «دولت» خوانده می‌شوند. اما ناگهان به دلیل در اختیار داشتن سرمایه‌های بدست آمده در نفت و گاز، به عامل قدرتمند در سیاست جهانی تبدیل شده‌اند. این امر از نظر سیاست جهانی، اهمیتی انقلابی دارد، زیرا قدرتی که نفت و گاز ایجاد می‌کند بسیار زیاد است. هنگامی که کشورهای صادرکننده آن، قادر به همکاری و هماهنگی در سیاست‌های خود باشند، قادرند خواسته‌های خود را بر کشورهای مصرف‌کننده تحمیل نمایند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۲). اکنون تحولات صورت گرفته در عرصه ژئواستراتژیکی و تبدیل آن به ژئواکونومیک، در رویکردهای ژئوپلیتیک، منابع نفت و گاز در معادلات جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این میان، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقش حیاتی ایفا می‌کند. به طوری که برخی کارشناسان آن را قلب جهان می‌نامند. از اینرو در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه قرار گرفته است. یکی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان به دلیل قرار گرفتن در هارتلند انرژی یعنی واقع شدن در سه حوزه بزرگ انرژی نفت و گاز جهان (خلیج فارس، دریای خزر، سیبری غربی)، دیگری موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی که بر سر راه انتقال نفت و گاز در غرب و شرق قرار دارد (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۲). همچنین براساس آمارهای موجود ایران با ذخیره حدود ۱۳۸ میلیارد بشکه نفت بعد از عربستان در رتبه دوم ذخایر جهان و در گاز هم با داشتن حدود ۳۰ تریلیون مترمکعب پس از روسیه رتبه دوم ذخایر جهان را در اختیار دارد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان ذخایر نفت و گاز برخی از کشورها و درصد آن‌ها به کل جهان در پایان سال ۲۰۱۱ م

کشور	ذخایر نفت به میلیارد بشکه	درصد از کل	ذخایر گاز به تریلیون مترمکعب	درصد از کل
عربستان	۲۶۴/۳ رتبه اول	۱۹/۸	۷/۹۲ رتبه چهارم	۴/۲
ایران	۱۳۷/۶ رتبه دوم	۱۰/۳	۲۹/۶ رتبه دوم	۱۵/۸
عراق	۱۱۵ رتبه سوم	۸/۶	۳/۱۷ مشخص نیست	۱/۷
کویت	۱۰۱/۵ رتبه چهارم	۷/۶	۱/۷۸ مشخص نیست	۱
امارات	۹۷/۸ رتبه پنجم	۸/۳	۶/۴۳ رتبه پنجم	۳/۴
روسیه	۷۹/۵ رتبه ششم	۶/۵	۴۴/۶۵ رتبه اول	۲۵/۲
لیبی	۳۶ رتبه هفتم	۳	۱/۵۰ مشخص نیست	۰/۸
قطر	۲۶/۸ مشخص نیست	۲	۲۵/۳۷ رتبه سوم	۱۳/۵
جهان	۱۲۰۸/۲	۱۰۰	۱۷۷/۳۶	۱۰۰

استخراج از: ۱. سایت: <http://www.shana.ir> ۲. BP statial Reviw of world Energy ۲۰۱۲

بنابراین ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس، دریای خزر و غرب سیبری (آسیای مرکزی)، از امکان ایجاد انتقال انرژی از شمال به جنوب و غرب به شرق و یا بالعکس را دارا می‌باشد. در چنین وضعیتی منطقه خاورمیانه و در کانون آن ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. از اینرو امنیت آن و محیط پیرامونش برای محافل بین‌المللی با اهمیت تلقی می‌گردد. در چنین شرایطی ایران می‌تواند با استفاده از راهکارهای منطقی از موقعیت ویژه خود استفاده لازم را ببرد و امنیت خود را از این فرآیند تأمین نماید. این کشور باید به گونه‌ای عمل کند که هر نوع تهدید و ناامنی برای ایران، به همان اندازه تهدید و ناامنی برای منافع مصرف کنندگان به ویژه غرب به وجود بیاید. در این صورت ضرورت تدوین استراتژی انرژی در چهارچوب نظام اقتصاد سیاسی- جهانی یکی از اصلی‌ترین راه‌های مطلوب ایران در جهت تأمین قدرت، ثروت و امنیت یعنی تبدیل به قدرت هوشمند شدن می‌باشد. در این راه بازیابی در سیاست‌ها و رفتارهای صادرات انرژی به ویژه صدور مستقیم انرژی به اروپا به عنوان ابزار مناسب در قدرت‌مند هوشمند توصیه می‌گردد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه معادلات قدرت و امنیت از چارچوب سنتی خارج شده و شکل‌های جدیدی از امنیت و تعاملات امنیتی در جهان پیدا شده است. و اقیانوس جهان مبین آن است که کشورها درصددند قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون، قدرت را به اقتدار و حمله را به نفوذ تبدیل نمایند. معروف‌ترین نظریه پرداز پیرامون قدرت نرم «جوزف نای» آمریکایی است که این گونه آنرا معرفی می‌کند «اگر آمریکا تنها دو درصد از مبلغ درآمد ناخالص داخلی را به برنامه‌هایی اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا ببخشد و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات مورد نیاز را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق تر از قدرت سخت دست می‌یابد که به آن می‌گوییم قدرت نرم» تکمیل نظرات جوزف نای موجب طرح

موضوعی تحت عنوان «قدرت هوشمند» شد که در کتاب قدرت رهبری در سال ۲۰۰۸ به چاپ رسید، بر این اساس ایالات متحده با استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمند به نفوذ در جامعه هدف می‌پردازد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۳). در این راستا بازیگران ملی و بین‌المللی با استفاده از تحول در ماهیت قدرت و عمدتاً با تکیه بر انواع نرم قدرت به موازات انواع سخت آن، اهداف و منافع خود را در حوزه بسیار گسترده‌تر، آرام‌تر و متنوع‌تر دنبال می‌کنند. این نوع جدید در استراتژی قدرت برخی از کشورها یعنی تلفیق تشویق (هویج) یا تهدید (چماق) در کنار شیوه غیر مستقیم به دست آوردن خواسته‌ها و آمال از طریق توانایی جذب، معروف به قدرت هوشمند می‌باشد. تنها برخی از کشورها مانند ایالات متحده و کشورهای قدرتمند توانایی اجرایی آنرا دارند و بکارگیری آن موجب می‌گردد تا دیگران را وادار برای خواستن نتایجی که شما می‌خواهید بجای اجبار کردن آن‌ها، افراد را جذب نمایند (نای، ۱۳۹۰: ۳۱۰) شکل می‌گیرد. اجرای آن باید طوری رهبری گردد که در صورت نیاز در قدرت نرم و ترکیب آن با مهارت‌های ماکیاولی گونه قدرت سخت، ترجیحاً اخلاق مدنظر گرفته شود (نای، ۱۳۸۷: ۲۶۳). از اینرو مشاهده می‌گردد که امروزه غرب به رهبری ایالات متحده در سطح منطقه خاورمیانه به ویژه در حوزه خلیج فارس و اطراف حوزه ژئوپلیتیکی ایران با بکارگیری برخی از فاکتورهای قدرت نرم و هوشمند خود برنامه‌های بلند مدتی را طراحی کرده‌اند. حضور بلند مدت در منطقه، حمایت مستمر از کشورهای عربی، وابستگی شدید کشورهای منطقه به آن، انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای منطقه، حضور نظامی جدی در منطقه، نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی، طرح شعارهایی همچون حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، نفوذ در میان رهبران و نخبگان و... از جمله پیگیری استراتژی قدرت هوشمند ایالات متحده در خلیج فارس می‌باشد. در این راستا کشورهایی که مانند ایران برخلاف جریان سیاست‌های آن‌ها قرار دارند باید به موازات برنامه‌های آن‌ها از این استراتژی بهره‌مند گردند. مثلاً ایران با شدت و ضعف خود در برخی از موارد استفاده از قدرت سخت و نرم می‌تواند توانمندی در اجرای قدرت هوشمند داشته باشد. بهره‌گیری از سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک و واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی در کنار قرار گرفتن در راه اتصال کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد ابزارهای مناسبی در قدرت سخت ایران هستند. از طرفی با برخورداری و بالا بردن توانایی خود در هوشیاری و همراهی با ایده جهان چند قطبی، همگرایی منطقه‌ای، تنش‌زدایی، توسعه‌گرایی و از همه با مهم‌تر تکیه بر توانمندی در ژئوپلیتیک انرژی بویژه در قدرت نفت و گاز خود می‌تواند به خواسته‌های قدرت نرم برسد. در صورتی که اجرای همه آن‌ها با رهبری صحیح برنامه‌ریزی گردد به نظر می‌رسد ایران هم به توانایی قدرت هوشمند، برای مقابله با تهدیدات و تحریم‌های موجود خواهد رسید. در این راستا، ایران با گره زدن سرنوشت امنیت خود با انرژی، و انتقال آن به کشورهای غربی، می‌تواند به قدرت، ثروت و امنیت مورد دلخواه در قدرت هوشمند برسد. بنابراین با توجه به مسائل ذکر شده فوق، ذکر این نکته لازم است که فرضیه‌های مقاله که در قالب جملات سوالی مقدمه آن مطرح شده بود،

ثابت می‌گردد. همان طور که ملاحظه شد رویکرد غالب و مسلط قدرت در دوره‌های طولانی، قدرت سخت بود. اما در یک دهه اخیر رویکرد جدیدی از قدرت به نام نرم در استراتژی هژمونی ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ مطرح می‌باشد. این استراتژی که قدرت جذب دیگر کشورها بدون استفاده ابزاری از قدرت سخت پیگیری می‌گردد، از سال ۲۰۰۸ میلادی با تغییراتی در تئوری پیشنهادی جوزف نای به ایالات متحده، قدرت هوشمند نامیده شد. در این تئوری قدرت حکومت ملی با ترکیب قدرت نرم و سخت به حداکثر می‌رسد. اگرچه هنوز همه کشورها نمی‌توانند برای قدرتمندی از این استراتژی استفاده نمایند، اما در این تحقیق سعی شده است با تلفیق برخی از ابزارها و عناصر قدرت سخت و نرم به این نتیجه برسیم که کشورهایی مانند ایران هم می‌تواند از استراتژی قدرت هوشمند در پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند. استفاده ابزاری و به موقع از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی ایران در منطقه و نیز بهره‌مندی عناصری از توانایی در هوشیاری، همراهی با ایده جهان چند قطبی، همگرایی، تنش‌زدایی، توسعه‌گرایی و به ویژه تکیه بر قدرت ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز)، ما را به این نتایج رسانید که اولاً بکارگیری قدرت هوشمند در توانمندی کشورها بیشترین تأثیر را دارد ثانیاً ایران هم می‌تواند از توانمندی‌های خود از این استراتژی استفاده نماید و ثالثاً مؤثرترین ابزار ویژه ایران استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک انرژی و تکیه بر نفت و گاز خود می‌باشد. در این صورت ایران به قدرت، امنیت و ثروت مورد نظر خود با حداقل درگیری به استراتژی هوشمند خواهد رسید.

بر این اساس راهکار پیشنهادی زیر در جهت استراتژی قدرت هوشمند ایران پیشنهاد می‌شود:

۱. استفاده ابزاری از عوامل قدرت سخت خود: یعنی بهره‌گیری از سواحل طولانی در سه دریای خزر، فارس و عمان و تسلط بر نقاط استراتژیک آن - بهره بردن از واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی خلیج فارس و دریای خزر - بهره بردن از قرار گیری اتصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد جنوب.

۲. استفاده از یک سری عناصر قدرت نرم و ویژه ایران یعنی: هوشیاری در برابر دشمنان - همراهی با ایده جهان چند قطبی - همگرایی منطقه‌ای - تنش‌زدایی - توسعه‌گرایی و مهم‌تر از همه تکیه بر ژئوپلیتیک انرژی (قدرت نفت و گاز) خود.

۳. رهبری هوشمند در بکارگیری عوامل و عناصر ذکر شده.

۴. تدوین همه برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی نظامی ایران بر پایه استراتژی هوشمند با تأکید ویژه به ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) ایران. چون اصلی‌ترین اهداف کوتاه و بلندمدت قدرت‌های بزرگ و صنعتی جهان تسلط بر منابع نفت و گاز و انتقال سریع و آسان آن به بازار مصرف می‌باشد و ایران نقش اساسی در همه استراتژی‌ها آن‌ها دارد.

۶. منابع

۱. اسماعیلی، علی محمد، ۱۳۹۱، جنگ نرم در همین نزدیکی، چاپ سوم، نشر ساقی، تهران.
۲. اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهره، ۱۳۹۰، رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه بافتگی فضاهای سیاسی، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱، ۸۷-۷۰.
۳. بوزان، بری و الی ویور، ۱۳۸۸، مناطق و قدرت‌ها، چاپ اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۴. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۹، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۵. پورمهرانی، مهران، ۱۳۸۹، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامون، چاپ اول، نشر نوآور، تهران.
۶. ترابی، طاهره، ۱۳۸۹، تنش زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران ۸۸-۱۳۶۷، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک سال ششم، شماره ۳، ۱۲۰-۱۰۲.
۷. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۲، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، چاپ اول، نشر آوای نور، تهران.
۸. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۹. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، نشر پایا، مشهد.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، قدرت و منافع ملی، چاپ اول، نشر انتخاب، تهران.
۱۱. حسینی متین، سید مهدی، ۱۳۹۱، رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد، نشر ابرار معاصر، تهران.
۱۲. دامن‌پاک جامی، مرتضی، ۱۳۸۸، دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی، چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
۱۳. دهشیا، حسین، ۱۳۸۲، سیاست خارجی آمریکا در آسیا، چاپ اول، نشر ابرار معاصر، تهران.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۸، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۵. سلیمی، حسین، ۱۳۸۸، آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۷-۱۱۶.
۱۶. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۹۰، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
۱۷. سیف‌زاده، سید حسین، ۱۳۸۴، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌المللی فردی - جهانی شده: مناسب و کارآمدی، چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
۱۸. کلود زیچ، ادوارد، ۱۳۹۰، امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوندی، چاپ اول، نشر پژوهشکده، مطالعات راهبردی، تهران.
۲۰. متقی، ابراهیم، ۱۳۹۱، روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا ۲۰۱۲ - ۱۷۹۲، چاپ اول، نشر ساقی، تهران.
۲۱. محمدحسینی، مسعود، ۱۳۹۱، مرزهای ایران، چاپ اول، نشر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران.
۲۲. محمدی، یداله، ۱۳۹۰، انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی (ره) در تولید قدرت نرم، چاپ چهارم، از کتاب قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل به کوشش حجت‌اله مرادی، نشر ساقی، تهران.
۲۳. مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، امنیت انرژی و موقعیت ژئواستراتژی ایران، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۲، ۱۲۴-۹۵.

۲۴. مرادی، حجت‌اله، ۱۳۹۰، زبان، ابزار قدرت نرم در ارتباط نامتقارن اینترنتی، چاپ چهارم، از کتاب قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل به کوشش نویسنده مقاله، نشر ساقی، تهران.
۲۵. مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۰، ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی: رهیافت‌ها و فرآیندها، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۵-۱۱۱.
۲۶. مظفری، آیت، ۱۳۸۶، روش‌شناسی و آموزش تحلیل سیاسی، چاپ اول، نشر زمزم هدایت، قم.
۲۷. نائینی، علی محمد، ۱۳۹۰، ابعاد تهدید نرم در استراتژی امنیت ملی آمریکا، چاپ چهارم، از کتاب قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل به کوشش حجت‌اله مرادی، نشر ساقی، تهران.
۲۸. نای، جوزف، ۱۳۸۷، رهبری و قدرت هوشمند، چاپ چهارم، نشر ابرار معاصر، تهران.
۲۹. نای، جوزف، ۱۳۹۰، قدرت نرم و رهبری، ترجمه عسگر قهرمانپور بناب، چاپ اول، از کتاب قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل به کوشش حجت‌اله مرادی، نشر ساقی، تهران.
۳۰. هاشمی، سید حمید، ۱۳۹۰، جنگ نرم، نبرد در دنیای معاصر، چاپ اول، نشر وزارت علوم، تهران.
۳۱. یزدان فام، محمود، ۱۳۸۸، امنیت نرم و چرایی اهمیت آن، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، سال دوازدهم، شماره ۳، ۱۴۳-۱۲۵.
۳۲. سایت شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز وابسته به بریتانیا: ۲۰۱۲، BP statistical Review of world Energy
۳۳. سایت شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز ایران در سال ۱۳۹۱: <http://www.shana.ir>